مصاحبه- گفت و گوی تمدنها در مصاحبه با دکتر بسام طیبی

ترجمه: محمدرضا کارشناس

از زمانی که اندیشه گفت و گوی تمدنها از سوی رئیس جمهوری اسلامی ایران در مجمع عمومی سازمان ملل مطرح گردید و پیشنهاد نامگذاری سال 2001 به عنوان سال گفت و گوی تمدنها مورد تایید مجمع مذکور قرار گرفت، این موضوع به عنوان مبحثی زنده که دارای ابعاد سیاسی فرهنگی اجتماعی بین المللی است، مورد توجه اصحاب اندیشه قرار گرفته است. استقبال عمومی از گفت و گوی تمدنها عکس العمل طبیعی انسانهایی است که خسته از دو جنگ جهانی و دهها جنگ منطقه ای و یک دوره نسبتا طولانی جنگ سرد، گام به قرن بیست و یکم می گذارند. اندیشه برخورد تمدنها که در سال 1372 شمسی از سوی ساموئل هانتینگتون، استاد علوم سیاسی دانشگاه هاروارد، در فصلنامه آمریکایی فارین افرز مطرح گردیده، پیش زمینه مناسبی برای مقبولیت گفت و گوی تمدنها گردید. در این راستا نظریه پردازانی که در صدد یافتن پناهگاهی برای گریز از تئوری پردازیهای خشن برای آینده جهان بودند، زمینه ای مناسب فرا روی خود می بینند.

هانتینگتون پایان جنگ سرد را سرآغاز دوران جدید برخورد تمدنها ترسیم می کند و بر همین اساس، حوادث و رخدادهای جاری جهان را تحلیل می کند. وی از خطوط گسل بین تمدنهای غربی، ژاپنی، اسلامی، هندو، اسلاو، ارتدوکس، کنفوسیوس و آمریکای لاتین، به عنوان منشا درگیریهای آینده یاد می کند.

هنری کیسنجر معتقد است که "در دنیای بعد از جنگ سرد، شش قدرت برتر جهانی در درون پنج تمدن بزرگ ظهور می کنند." وی گرچه مسائل جهانی را در خطوط گسل تمدنها متمرکز نمی داند، اما با تحلیل هانتینگتون درباره وضعیت جهان بعد از جنگ سرد موافق است.

هر چند نظریه پردازان بسیاری به نقد و بررسی نظریات هانتینگتون پرداخته اند، ولی همان گونه که اشاره شد، گفت و گوی تمدنها افکار اندیشمندان بسیاری را به خود معطوف نموده است که نظرات دکتر بسام طیبی، سیاستمدار و کارشناس مسائل خاورمیانه و استاد دانشگاه هاروارد را که در مصاحبه با خبرنگار هفته نامه "سیاست" مورخ 14 آوریل 1999 چاپ لهستان مطرح گردیده است، مرور می کنیم. دکتر بسام همچنین نویسنده کتابهای "اروپا بدون اصالت" و "اختلاف و جنگ در خاورمیانه" می باشد:

× آیا امکان توافق بین اسلام و مسیحیت وجود دارد؟

متخصصین تئولوژی نظیر هانس کونگ (2) معتقدند اصول اخلاقی در همه مذاهب مشترکند. هر چند تصور مسیحیت از انسان و اخلاق، تفاوتهایی با دیدگاه اسلام دارد، ولی نقاط مشترکی هم دارند. پس از پایان جنگ سرد، دوران اختلاف بین تمدنها فرا رسیده است. برخورد تمدنها با یکدیگر صلح جهانی را به خطر می اندازد. همه ما در "ده بزرگی" زندگی می کنیم که همه روزه با یکدیگر ارتباط داریم. امیدواریم گفت و گوی بین تمدنها به جست و جوی نقاط مشترک و حل مسائل کمک کند.

اروپا با حفظ اصالت خود باید به سوی تمدنهای دیگر گشوده شود. گشوده شدن به معنای تسلیم شدن نیست، خود اروپا افراط و تفریط می کند، از یک سو اروپاییان معتقدند در مهمترین نقطه زمین قرار دارند و از سوی دیگر، فکر می کنند هیچ ارزشی ندارند; زیرا خود را مقصر به راه انداختن دو جنگ جهانی و مسؤول استعمار می دانند. به همین دلیل، ترجیح می دهند صحبتی در مورد تمدن اروپایی انجام ندهند. چنین تمایلی بخصوص در بین آلمانیها قویتر است; زیرا آنها گاهی فریاد می زنند "تمام خارجیها را بیرون می کنیم" و یا برعکس، می گویند "راه ورود برای همه آزاد است". در گفت و گوی تمدنها این گونه برخورد کردن راه حل به حساب نمی آید، باید نقاط مشترک را پیدا کرد.

× چه اصولی باید رعایت شود تا چنین گفت و گویی صورت بگیرد؟

حتما باید فضای پذیرش یکدیگر ایجاد شود. تعداد مسلمانان اروپا رو به افزایش است. در حال حاضر، در اروپای غربی 15 میلیون مسلمان زندگی می کنند. پیش بینی می شود این تعداد در سال 2020 به چهل میلیون افزایش یابد. اگر گفت و گو آغاز نشود و وضعیت بحران پیش بیاید، امکان دارد مساله بوسنی در اروپا تکرار شود. هر چند آلمانیها سیاست همگرایی با مسلمانان ندارند. با این حال، در این مورد بحث می کنند.

× آیا شما با نظرات هانتینگتون موافق هستید؟ وی معتقد است اختلافات با دنیای اسلام در اکثر موارد محلی خواهد بود؟

احتمال بروز اختلافات در ابعاد بین المللی خیلی کم است. جهان اسلام بسیار بزرگ است (55 کشور و3/1 میلیارد نفر). در بین این افراد از نظر سیاسی و فرهنگی، تفاوت وجود دارد. به همین دلیل، من فکر می کنم هرگز دولت عظیم اسلامی بوجود نمی آید. هانتینگتون می گوید: بعضی از کشورهای اسلامی مثل عربستان یا ترکیه می توانند نقشه همگرایی در دنیای اسلام داشته باشند. در چنین حالتی، ممکن است دولت عظیم اسلامی بوجود آید. من نظری غیر از این دارم، اختلافات محلی دارای عکس العمل کلی است. مثلا جنگ در افغانستان در اروپا اثر می گذارد، بدین ترتیب که تعداد مهاجران افغانی در اروپا افزایش می یابد، خرید و فروش مواد مخدر توسعه می یابد. علی رغم اینکه طالبان آدمهای متدینی هستند، خیلی راحت به معامله مواد مخدر می پردازند.

× چطور می توان نقاط مشترکی را بین زنهای آزادمنش در غرب و زنهای مسلمان که تسلیم اصول بسیار سخت هستند، پیدا کرد؟

اروپای غربی تمایل داد که گفت و گوی بین تمدنها با استفاده از اصلاحات مؤدبانه و با نزاکت مانند دیپلماسی صورت بگیرد. باید راجع به تفاوتهایی که بین ما نیز وجود دارد، صحبت شود. کلیسای کاتولیک و انجیلی در گفت و گو با اسلام باید موضع واحد داشته باشد. در غیر این صورت، ما را از مقصد دور خواهد کرد. هر چند گفت و گو کردن به معنای نوازش یکدیگر نیست، ولی با این حال، نمی توان با بنیادگرایان اسلامی انجام داد.

دو سطح گفت و گو قابل پیش بینی است: یکی بین دولتها و دیگری بین مسلمانان و اروپا. زمانی که اروپای غربی با مهاجرین مسلمان صحبت می کند، حق دارند از آنان بخواهند اصالت و ارزشهای اروپایی را رعایت کنند، ولی وقتی در سطح بین المللی با مصر یا الجزایر گفت و گو می کنیم، نمی توانیم از آن کشورها بخواهیم اروپایی شوند. باید به آنها احترام گذاشت. خوب بود مثلا در رابطه با حقوق بشر نقاط مشترکی پیدا می کردیم. متاسفانه در بعضی موارد واقعا این کار دشوار است، عمق تفاوتها بسیار زیاد است. یکی از نقاط مشترک که قابل رؤیت است، دموکراسی است که هم با مسیحیت و هم با اسلام سازگار است. مشترکا می توانیم پشتیبان دموکراسی، حقوق بشر و جامعه آگاه باشیم.

منبع: سفارت ج.ا.ا. - ورشو

پی نوشتها

1. Bassam Tibi

2. Hans Kung